

بنیاد ایران پژوهی سهروردی

Centre d'Études Iranologiques **Sohrwardi** Foundation for Iranian Studies

الفبای زبان شغنی

بنیاد ایران پژوهی سهروردی

مونترال، ۱۳۸۹ خ / ۲۰۱۱ م

الفبای زبان شغنی

پیش‌گفتار

انگیزه بقا و دفاع از حیات انسانها را وادار ساخت تا زندگی اجتماعی داشته در برابر طبیعت و سائر عوامل تأثیرگذار بر روند زندگی، متحدانه ضروریات خود را تهیه و تلاش جمعی نمایند. روند اجتماعی این پروسه (کار و مبارزه مشترک) ضرورت معاشرت انسانی و فضای افهام و تفهیم را مهیا ساخت که در نتیجه گذشت زمان طولانی و تکامل فیزیکی و معنوی انسانها، اصوات ابتدائی آهسته آهسته موزون‌تر شده در قالب کلمات ابتدائی نوعی زبان به وجود آمد که اساس و سرچشمه تکامل فرهنگ بشریت است.

در این پروسه تاریخی، زبان عمده‌ترین تامین‌کننده روابط اجتماعی انسان‌ها بوده که در تشکیل و انکشاف شعور انسانی نقش پر از اهمیتی را ایفا و انسان را در جایگاه والای آن قرار داده و به آن اقتدار بخشیده است. همچنان تفکر انسان‌ها همچون محصول عملکرد مداوم و تجربه شده در قالب واژه‌های زبان بیان و به وسیله نگارش از نسلی به نسلی به حیث دستاورد میراث فرهنگی انتقال یافته که زیربنای پیشرفت‌های بعدی نسل‌های آینده را فراهم ساخته و می‌سازد.

در جامعه‌های بشری زبان‌های بی‌شمار و مختلفی به وجود آمده، رشد و تکامل نموده‌اند؛ همچنان زبان‌های زیادی نیز بنا به عوامل مختلف تغییر نموده یا به دلیل سیطره استیلاگران وقت از میان رفته‌اند. خوشبختانه زبان‌های گروه پامیری - که مربوط به گروه شرقی زبان‌های آریایی و متعلق به خانواده هندواروپائی می‌باشند - با وجود شمار اندک گویندگان به مقیاس کل، در پناه استحکامات طبیعی سلسله کوه‌ها و دامنه‌های پامیر از گزند نابودی در امان مانده و اصالت خود را حفظ نموده‌اند. البته در این شکی نیست که سخنگویان این زبان‌ها به علت عدم انکشاف زبانی، تمام کمبودهای واژگانی خود را از زبان‌های مؤثر در منطقه به ویژه از راه زبان فارسی دری - که به آن آموزش می‌یابند - اكمال نموده و می‌نمایند. باید پذیرفت در شرایطی که اجداد و نیاکان مردمان دارای زبان‌های گروه پامیری قرار داشتند و دارند، هدیه باارزش‌تر از چنین گنجینه ارزشمند و میراث گران‌بها به نسل‌های موجود این سرزمین را نمی‌توان سراغ داشت. لذا تلاش در راه رشد و تکامل این زبان‌ها مخصوصاً ایجاد

الفبای این زبان‌ها که برای بقای‌شان در شرایط موجود جهانی امر حیاتی است و نسل توانمند عصر حاضر قادر به انجام آن می‌باشد یک وجبیه ضروری و فرهنگی است.

«بنیاد ایران‌پژوهی سهروردی» در شهر مونترئال کانادا افتخار دارد که با درک این وجبیه، پژوهش‌های خود را، به پیشنهاد استاد نورعلی دوست محمد (دکترانت فلسفه)، فرزند این مرز و بوم، در مورد ایجاد الفبا برای زبان شغنی به انجام برساند. همکاران این پروژه آقایان مهندس یوسف امیری (مهندس نرم‌افزار، پژوهشگر تاریخ و فرهنگ، و سرپرست دوره‌ای بنیاد یاد شده) و دکتر محسن حافظیان (دکتر زبان‌شناسی) بودند که در دوره‌ای افزون بر یک سال زمانی این کار علمی را به پایان رسانیدند.

برای دست‌اندرکاران این طرح دو مسئله کمال اهمیت را داشته است:

- نخست این که الفبای پیشنهادی (که بخش بزرگی از آن بر بنیاد الفبای موجود فارسی و پشتو است) به طرح رابطه‌ای روشن میان نویسه‌ها (حروف) و آوای زبان بپردازد تا امکان درج تمامی آوای شغنی را فراهم آورد.

- دوم آن که برای توضیح این روابط وجه آموزشی آن را هم در نظر گرفته است تا خواندن و نوشتن توسط این الفبا برای نوآموزان به آسانی انجام‌پذیر گردد.

این الفبای زبان شغنی، بنا به اشتراکات هم‌جانبه‌زبانی می‌تواند برای دیگر زبان‌های پامیری کاربرد داشته باشد. و امید است که چنین زمینه را فراهم بسازد.

۱. زبان شغنی

ویژه اطلاعات فشرده و عمومی در باره این زبان:

الف. شغنان و روشان در زبان‌های شغنی و روشانی **خوړنون** و **رېښون** گفته می‌شوند و شغنانیان خود را **خوړنونیین** یا **خوړنونجیین** و روشانیان را **رېښیین** یا **رېښینجیین** می‌گویند. نام مفرد شغنانی را **خوړنونه** و روشانی را **رېښین** می‌نامند. در انتخاب نام شغنان و روشان، شغنانی‌ها و روشانی‌ها هیچ نقشی نداشته‌اند. این در حقیقت مشکل کمبود آواها و نویسه‌های زبان شغنی در زبان‌های نامگذاران بوده که با ذوق و سلیقه خود چنین نامی را برای مردم و این منطقه ساخته‌اند. بر اساس تحقیقات نخستین محقق زاده این مرز و بوم، محترم دکتور خوش‌نظر پامیرزاد، نام شغنان پس از تسلط اسلام بر اراضی و مناطق ماوراءالنهر در آثار و کتاب‌های این نویسندگان به نام‌های **شغنان**، **شقینه**، **شگنان** و در قرن پنجم هجری به **شغنان** نام برده شده است.^۱

ب. مناطق اطراف و اکناف سلسله کوه‌های مرکز پامیر (نواحی واخان، اشکاشیم، زیباک، شغنان، روشان، درواز، گران و منجان و غیره) به نام پامیر و زبان‌های واخانی، اشکاشمی، سنگلیجی، شغنی، روشانی، یزگلامی، سرقولی، و منجی در مجموع به نام زبان‌های گروه پامیری یاد می‌شوند. زبان‌های منجی و سنگلیجی صرف در بدخشان افغانستان و زبان یزگلامی در بدخشان جمهوری تاجیکستان و زبان سرقولی در ایالت سین‌کیان جمهوری توده چین تکلم می‌شود. اصطلاح زبان‌های پامیری و پامیرشناسی نخست در تحقیقات دانشمندان آکادمی علوم اتحاد شوروی وقت چون «و. و. گریگورف» و «ا. ا. سیمیونوف زوربین» و دیگران ایجاد و با تاسیس آکادمی علوم تاجیکستان به خصوص «انستیتوت پامیرشناسی» به رهبری دانشمندان بزرگ پامیر زمین چون مرحوم آکادمیسین «دادخدا کرم-شاه‌یف» و دادخدایف و دیگر محققان، این زبان‌ها به نام زبان‌های گروه پامیری یاد می‌شوند که مربوط به گروه شرقی زبان‌های آریائی و متعلق به خانواده هندواروپائی می‌باشند. قابل تذکر است که در گذشته زبان‌های شغنی و روشانی الفبای مخصوص دیده نشده است.

ج. در سال ۱۳۴۱ ش. کتاب دادخدایف تحت عنوان «تحقیقات درباره فونتیک تاریخی زبان شغنی» و در سال ۱۳۴۲ ش کتاب کرم شاه‌یف با نام «لهجه‌های زبان شغنانی» و مجموعه مقالات مربوط به زبان‌های پامیری در شهر دوشنبه به چاپ رسیدند. در آکادمی علوم تاجیکستان ابتدا بعد از سال ۱۹۲۹ م. (۱۳۰۸ ش.) با استفاده از الفبای لاتین الفبای زبان شغنی را ترتیب دادند که تا سال ۱۹۳۷ م.

(۱۳۱۶ ش.) دوام داشت ولی بعداً آن را در سال ۱۹۹۰ م. (۱۳۶۹ ش) به الفبای سریلیک تغییر دادند که نویسه‌های نوشتاری زبان فارسی (تاجیکی) در تاجیکستان نیز می‌باشد. و اکنون در جمهوری تاجیکستان مورد استفاده شغنائی‌ها و روشنائی‌هاست. اما از این که الفبای سریلیک در افغانستان عمومیت ندارد، شغنائی‌ها و روشنائی‌های این سرزمین از این الفبا در نوشتن آثار خود استفاده کرده نمی‌توانند و شرایط آموزش و استفاده از آن در اصول نوشتاری افغانستان و به خصوص تهیه کتب و برنامه‌های تعلیمی درسی معارف برای شاگردان این زبان‌ها بعید به نظر می‌رسد. لذا بنا به شرایط شغنائی‌ها و روشنائی‌های افغانستان که تمام دوره آموزش سواد و تحصیلات خود را به الفبای زبان‌های فارسی و پشتو انجام می‌دهند و در نتیجه به این نویسه‌ها آشنایند و به آموزش مجدد آن نیاز ندارند - استفاده از نویسه‌ها و قاعده‌های مربوط به نویسه‌های این زبان‌ها به اضافه احیا و انتخاب نویسه‌های مخصوص زبان‌های شغنی و روشنائی آسان‌ترین شیوه برای به کتابت کشیدن این زبان‌ها می‌باشد. از جهت دیگر، هم زبان فارسی و هم زبان پشتو شاخه‌ای از زبان‌های آریایی‌اند و زبان‌های شغنی و روشنائی همه ضرورت‌های واژگانی خود را از این زبان‌ها تکمیل نموده و دارای پیوندهای آوایی می‌باشند؛ امری که کار آموزش کتابت را آسان می‌کند. قابل یادآوری است که دانشمندان آکادمی علوم اتحاد شوروی وقت و انستیتوت پامیرشناسی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان با داشتن دانشمندان بزرگ در بخش‌های مختلف علوم کارهای مثمیری را در عرصه‌های گوناگون معرفی فرهنگ مردم پامیر (بدخشان) رشد و انکشاف زبان‌های پامیری و حفظ نگهداری هنر و فرهنگ پسندیده مردم این سرزمین انجام داده‌اند و در حال انجامند.

۲. نویسه‌های پیشنهادی

بر اساس معیارهای زبان‌شناسی و قواعد دستور زبان در شروع و ادامه کار پیرامون نویسه‌های^۱ موجود و پیشنهادی؛ آواها برای زبان شغنی را در چهار بخش خلاصه می‌سازیم: نویسه‌های خطی / نویسه‌های برون‌خطی، نویسه‌های ساده / نویسه‌های ترکیبی، واکه‌نویسه‌ها / همخوان‌نویسه‌ها، و نیمه-همخوان‌ها. در تداخل کار، به دیگر مسایل پیرامونی و مورد بحث نیز به طور همه جانبه پرداخته می‌شود.

۲.۱. معیارهای زبان‌شناسی

در ایجاد و یا تغییر الفبای یک زبان به الفبای زبان دیگر و همچنان در نوشتن صورت آوایی یک زبان با الفبای زبانی دیگر، که نمونه‌های تاریخی آن کم نیست، مهم‌ترین نکته‌های پیش رو را به شرح زیر بایست مد نظر داشت:

الف. امانتداری و یکدستی در درج آواها، تطبیق همگن و فراگیر الفبای پیشنهادی با آواهای زبانی مورد نظر، کار آموزش و نوشتاری زبان را به آموزندگان و آموزگاران ساده و آسان می‌سازد.

ب. به طوری که روشن است گویش‌های گوناگونی در یک واحد زبانی وجود دارند؛ تعیین گویشی به عنوان گویش معیار به ویژه در زبان‌هایی که در بستر جغرافیایی گسترده‌ای پراکنده‌اند موضوع در خور اهمیت است. در این نوشته، گویش معیاری ما گویش مردم شغنان هر دو بدخشان (افغانستان و تاجیکستان) است.

ج. در این نوشته، *آوانویسه* (ساده‌تر بگوییم *نویسه*) عبارت از صورت نوشتاری یک آوایی است که تنها و تنها دارای یک آوا باشد. من باب مثال، تنوین را - که در واژه‌های عربی مبین همزمان دو آوای [a] و [n] یا به عبارتی نون ساکنی که در آخر کلمات عربی تلفظ می‌شود اما نوشته نمی‌شود مانند *دفعته* و غیره - من حیث نویسه‌های شغنی به شمار نیاورده‌ایم.

د. *جفت آوایی جداکننده*. برای تشخیص آواهای مختلف زبان از تلفظ‌های گوناگون این آواها؛ معیار تشخیص آواها به شیوه‌ای است که اگر جانشینی یک آوا با آوایی دیگر در درون متن واژگانی^۲ یکسان و هماهنگی دو واژه گوناگون را تبارز دهد، این آواها دو آوا به شمار می‌آیند. برای نمونه می‌توانیم از

آواهای ژ و ژ در واژه‌های ژیر (سنگ) و ژیر (پُربهره) نام ببریم که از جانشین کردن هر کدام از آنها واژه دیگری ساخته می‌شود. و بدین گونه این آواها را «جفت آوایی جداکننده» می‌نامیم.

ه. جفت واژگانی جداکننده. در زبان شغنی نویسه‌های واژه‌های زبان‌های دیگری موجودند که به طور یکسان در این زبان (شغنی) تلفظ می‌شوند. به طور نمونه، نویسه‌های ت و ط در واژه‌های حیات و حیاط که در زبان عربی تلفظ متفاوتی دارند و شغنی‌زبانها این‌گونه نویسه‌ها را یکسان تلفظ می‌کنند. این چنین نویسه‌ها به نام «جفت نویسه‌های جداکننده» یاد می‌شوند.

و. نویسه آوایی جداکننده می‌تواند با نشانه‌ای کمکی (نک. پایین‌تر) نیز تمایز یابد. برای نمونه، واژه‌های بون (ریش) و بون (آرد) با همین نشان کمکی هم در صورت آوایی و هم در صورت نوشتاری خود از یکدیگر تفکیک می‌شوند.

ز. متن واژگانی یکی از عامل‌های موثر در رابطه نویسه و آوای درج شده است. در واقع، جایگاه نویسه در متن واژگانی می‌تواند معرف آوایی باشد که با نویسه یاد شده درج شده است و یا معرف تغییراتی باشد که این آوا در متن به خود می‌گیرد. برای نمونه، قرار گرفتن ا (الف) پیش از نویسه‌های و و ی در آغاز واژه‌ای (مثلاً، این و اون) نشان از آن دارد که این نویسه، به تنهایی، به هیچ آوایی منسوب نیست. همین ا (الف) در میانه واژه که به تنهایی به کار برده شود واکه [â] را درج می‌کند. مثال دیگر آن که اگر بلافاصله واکه‌ای (مصوتی) پس از دو نویسه و و ی بیاید، نویسه و آوای [v] (مثال، در واژه وایمه (نوعی بیماری عصبی)) و نویسه ی آوای [j] را درج می‌کند (مثال، در واژه یابوج (آرد)). کوتاهی و بلندی یک واکه می‌تواند تحت تاثیر آواهایی نیز باشد که به دنبال آن می‌آیند، مثلاً واکه کوتاه [a] در در واژه اچب [afath] (هیچ) کوتاه‌تر بیان می‌شود تا بیان همین واکه در واژه اچگه [afga] (دیگر) چرا که در واژه دوم بعد از این واکه، دو آوای همخوان (مصوت) آمده است و در اولی تنها یک آوای همخوان، که باعث ادای کوتاه‌تر این واژه می‌شود.

شناختن رابطه نویسه و آوا در متن واژگانی این امتیاز را هم دارد که از بالا رفتن بی‌دلیل شمار نویسه‌ها و یا افزودن نشانه‌های اضافی تا حد ممکن پرهیزیم. اگر به جدول الفبایی کتاب «الفبای زبان شغنی»، آکادمی علوم افغانستان، منتشر شده در سال ۱۳۸۳ ش، (ص. ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ۲۹)، نگاهی بیاندازیم می‌بینیم که، برای نمونه، چهار گونه نویسه و (و، و و و) آمده است و چهار گونه نویسه برای ی (ی، ی و ی) آمده است، در صورتی که بخشی از این نویسه‌ها با توضیحی که درباره متن واژگانی نوشتیم قابل حذف می‌باشند.^۱

۲.۲. نویسه‌های خطی / نویسه‌های برون‌خطی

از نگاه ترسیمی، نویسه‌های زبان شغنی به دو گروه شامل می‌شوند: *نویسه‌های خطی* که بر روی خط نوشته می‌شوند؛ و *نویسه‌های برون‌خطی* که بیرون از خط و با نویسه‌های خطی درمی‌آیند.

الف. نویسه‌های خطی

نویسه‌های خطی که در زبان شغنی به کار می‌روند به شرح زیرند:

آ ب پ ت ث ث ب ج چ خ ح خ د ذ ر ز ژ بر س ش بن ص ض ط ظ ع غ ف ق ک
گ ل م ن و ه ی ء

از این نویسه‌ها، نویسه‌های *خ* *خ* *ب* *بن* در واژه‌های زبان پشتو^۱ می‌آیند، نویسه‌های *ث* *ح* *ص* *ض* *ط* *ظ* *ع* *ق* در واژه‌های عربی یا واژه‌های دیگر زبان‌هایی که با این الفبا نوشته شده‌اند می‌آیند و نویسه‌های *ث* *و* *ث* تنها در واژگان شغنی نوشته می‌شوند. ۲۶ نویسه دیگر در نوشته‌های واژه‌های این سه زبان و زبان فارسی مشترکند.

ب. نویسه‌های برون‌خطی

نویسه‌های برون‌خطی را به دو دسته بخش کرده‌ایم:

- *نویسه‌های آوایی*. این نویسه‌ها مستقیماً صورت نوشتاری واکه‌های کوتاه زبان شغنی را تشکیل می‌دهند و به قرار زیر می‌باشند:

◌ [a] (زیر)

◌ [e]، (زیر)

◌ [o]، (پیش)

- *نشانه‌های کمکی*: این نشانه‌ها چگونگی تغییرات آوایی یک آوای موجود را نشان می‌دهند:

~ (مد) که در زبان شغنی با نویسه‌های واکه‌ای (چه کوتاه و چه بلند) کشدار می‌آید؛ مانند *وَد* (جنگ) و *سوگ* (افسانه)

◌ (تشدید) که دوباره‌گویی آوایی را نشان می‌دهد؛ مانند *شَرَوْدَاج* (دریاچه) و *سِنَاو* (رفتن).

در مورد نشان ~ (مد) در نویسه‌های پیشنهادی ما نیاز به توضیح است. در زبان شغنی، واکه‌های برخی از واژه‌ها به طور کشیده ادا می‌شوند که با مکثی در انتهای واکه همراه است. برای درج این واکه‌های کشاله‌دار می‌توانستیم به همراه واکه کوتاه یا بلند از نویسه ه صامت در میان یا در پایان واژه بهره بگیریم، مانند **که‌ند** (بخش یا پاره) و یا خط تیره‌ای میان نویسه‌ها بگذاریم، مانند **بَت** (حلوا) بنویسیم. در مورد اول امکان اختلاط واژگان وجود داشت و در مورد دوم به زیبانویسی خط آسیب می‌رساند. چنین بود که نشان ~ (مد) را برای کشاله‌دار بودن واکه‌ها برگزیده‌ایم که در دیگر زبان‌های استفاده‌کننده این نشان همین نقش را دارد.

۲,۳. نویسه‌های ساده / نویسه‌های ترکیبی

نویسه‌های زبان شغنی از نظر ترکیب به دو دسته بخش می‌شوند: نویسه‌های ساده / نویسه‌های ترکیبی.

- نویسه ساده به نویسه‌ای می‌گوییم که دارای صورت نوشتاری یک آوای زبانی باشد و یا از یک جزء ساخته شده باشد (نمونه، ی و ح)، یا به عبارت دیگر، یکی از اجزای آن را به گونه مستقل نتوان در نوشته به کار برد. برای نمونه، در نویسه‌های ساده آ و غ جزء ~ (مد) از نویسه آ و همچنین نقطه نویسه غ هیچ کدام جداگانه به کار نمی‌روند و آوایی را هم بالطبع ثبت کرده نمی‌توانند.

- نویسه ترکیبی به نویسه‌ای گفته می‌شود که صورت نوشتاری آن یک آوای زبانی باشد و اجزای آن را هم بتوان جدا جدا در نوشتار به عنوان آوا-نویسه به کار برد. می‌بینیم که از ۷ نویسه ترکیبی زبان شغنی تنها یک نویسه همخوان [x] وجود دارد و دیگر نویسه‌ها واکه‌های (مصوت‌های) این زبان را تشکیل می‌دهند:^۲

- آ و ه [a]، در واژه‌های **آنبان** و **تاقه** (تنها)

- [e]، در واژه **انجوم** (اسباب و لوازم)^۲

- ا [o]، در واژه‌های **آبئه** (آه) و **أخمند** (آموخته)^۳

- ای [i]، در واژه **ایچه** (آشیانه)

- او [u]، در واژه‌های **اون** (بلی) و **اوف** (عفو)

- خو [x]، در واژه‌های **خوآگینه** [xâgine] (تخم مرغ بریان شده) و **خوپین** [xi:] (از خود یا قوم).

توجه نمائیم که در سه نویسه ترکیبی بالا، نویسه ا (الف) به عنوان کرسی واکه‌های کوتاه [a]، [e] و [o] به کار رفته است. این در حقیقت همان نقشی است که نویسه ه در نویسه ترکیبی ه (بازمانده آگ فارسی میانه) دارد. در نویسه مرکب خو نیز بازمانده نوشتاری نیمه‌همخوان [xw] در زبان فارسی میانه و [xʷ] در اوستایی است. و در آخر، همچنین قابل ذکر است که در نویسه‌های ترکیبی ای و او، ا (الف) نشانگر آغاز واژه و حافظ تلفظ واکه‌های نویسه‌های ی و و است.

۴.۲. واکه-نویسه‌ها / همخوان-نویسه‌ها

سامانه آوایی زبان شغنی دارای ۶ واکه، ۲۷ همخوان و ۲ نیمه-همخوان است. همچنان که می‌بینیم شمار نویسه‌های معرفی شده شغنی بیشتر از شمار آوای این زبان است. دلیل آن هم وجود نویسه‌هایی است که از زبان‌های دیگر وارد زبان شغنی شده‌اند ولی تلفظ اصلی آنها حفظ نشده است.

۴.۲.۱. واکه‌ها

شش واکه زبان شغنی به شرح زیرند:

- [a]، در واژه‌های آبین (زن دومی) و آنبون (مقیاس وزن)
- [e]، در واژه‌های اكداند (همینقدر) و پداو (پوسیدن).
- [o]، در واژه‌های نُق (لباس)، بُق (برآمدگی)
- [i]، در واژه‌های ایچه (آشیانه) و سیچه (برف یخ شده)
- [u]، در واژه‌های توڈ (توت) و شوڈ (خار)
- [â]، در واژه‌های آش و ناش (زردآلو)

واکه‌نویسه‌های کوتاه معمولاً نوشته نمی‌شوند چرا که اهل سواد بدون آنها هم خواندن می‌توانند. با این حال، این نویسه‌ها بخشی از نظام نوشتاری‌اند همچنان که نویسندگان کتاب‌های درسی گذاشتن این نویسه‌ها را برای دانش‌آموزان و زبان‌آموزان ضروری می‌دانند.

۴.۲.۲. همخوان‌ها

۲۷ آوای همخوان موجود در زبان شغنی به شرح زیرند:

- [b]، ب در واژه بَشْتَد (خوب)
- [p]، پ در واژه پوند (راه)

- [t]، ت و ط در واژه‌های توغم (تخم بذری)، طوطیه (طوطی)
- [s]، ث س ص در واژه‌های ثواب، ست (خاک) و صبر
- [th]، ث در واژه بُداو (سوختن)
- [z]، ز ذ ض ظ در واژه‌های زنگان (زنخ)، ذات، ضرور و ظالم
- [ʒ]، ج در واژه جُکتاو (کوبیدن)
- [ʃ]، چ در واژه چید (خانه)
- [tʃ]، خ در واژه خیم (چشم)
- [dʒ]، ح در واژه زریح (کبک)
- [x]، خ در واژه خیان (خانم برادر)
- [d]، د در واژه دِؤوسک (مار)
- [r]، ر در واژه روشت (سرخ)
- [ʒ]، ژ در واژه ژیر (سنگ)
- [th]، ث در واژه بُد (جنگ)
- [ʒ]، بد در واژه بویو (شکار)
- [ʃ]، ش در واژه شوژ (خار)
- [f]، بن در واژه بنخ (آب)
- [gh]، غ در واژه غوب (گوش)
- [q]، ق در واژه قین (غمگین)
- [k]، ک در واژه کُت (کوتاه)
- [g]، گ در واژه گُج (بزغاله)
- [f]، ف در واژه فُند (فریب)
- [v]، و و در واژه وُراد (برادر) و واین (علف)؛
- [l]، ل در واژه لِب (بسیار)
- [m]، م در واژه مون (سیب)
- [n]، ن در واژه نُر (امروز)

توضیح نکاتی چند درباره برخی همخوان‌ها، از جمله نویسه‌های بُ، ژ و و را - که ویژه زبان شغنی اند - ضروری می‌دانیم :

- نویسهٔ **ب** که در واژه‌های زبان شغنی چون **پاو** (داغ طبی)، **میث** (روز) و **ماث** (عصا) شنیده می‌شود تلفظ دیگری به جز **ث** در زبان عربی دارد.^۵ در زبان عربی این آوا، آوایی سایشی و میان‌دندانی است در حالی که نویسهٔ **ب** در زبان شغنی برای درج آوایی سایشی و سخت‌کامی^۶ به کار می‌رود.

- نویسهٔ **ذ** که در واژه‌های شغنی چون **توژ** (توت) و **ژد** (جنگ) شنیده می‌شود گویهٔ دیگری به جز **ذ** در زبان عربی و یا تلفظ آن در زبان فارسی دارد. در زبان عربی نویسهٔ **ذ** برای درج آوایی واکنار و سایشی است در حالی که **ژ** در زبان شغنی آوایی بی‌واک دندانی و سایشی است. برای نمونه، دو واژهٔ **ژر** (دور) و **ژر** (غبار پراکنده در هوا) با همین جفت آوایی از یکدیگر متمایز می‌شوند.

- **ژ** سومین نویسهٔ ویژهٔ زبان‌های شغنی است و در واژه‌هایی چون **ژراد** (برادر)، **ژداج** (آبیاری) و **ژبن** (ریسمان) وجود دارد. **ژ** در زبان شغنی، به مانند نویسهٔ **و** که اگر قبل از واکه ای بیاید، آوای لب و دندانی و واکنار [v] را درج می‌کند. برای نمونه، دو واژهٔ **وداو** (قصد داشتن) و **ژداو** (بودن) با همین جفت نویسه‌ای از یکدیگر متمایز می‌شوند. قابل توضیح است که کاربرد نویسه **ژ** که هم‌شکل نویسهٔ **و** است و به جای نویسهٔ **ف** در این متون آورده شده بدین دلیل است که این نویسه در زبان فارسی هرگاه پیش از واکهٔ دراز بیاید آوای [v] را می‌رساند و برای آموزندگان آشنا به این نویسه‌ها قابل فهم است.

- [h]، نویسه‌های **ح** و **ه** در زبان شغنی تلفظ نمی‌شوند و واکه‌ای که پیش و یا بعد از آنها می‌آید خوانده می‌شود. هم چنان که پیشتر دیدیم (نک. بخش ۲، ۳)، نویسهٔ **ه** با واکه‌ای که با آن می‌آید ترکیب می‌شود و نویسه‌ای ترکیبی می‌سازد. نمونهٔ آن واژهٔ **هفته** است که [afta] خوانده می‌شود. همچنان نویسهٔ **ح** هم تنها در وام واژه‌های زبان عربی می‌آید.

- دو نویسهٔ **ع** - **ء** که آوای همخوان چاکنای انسدادی (چاک صوت یا فم حنجره) را درج می‌کنند، در واژه‌های عربی چون **عار**، **عذر**، و **مأیوس** می‌آیند، ولی در خوانش زبان شغنی خوانده نمی‌شوند.

۲-۳-۴. نیمه‌همخوان‌ها

در زبان شغنی دو آوای نیمه‌همخوان وجود دارد؛ [j] و [w] که با نویسه‌های [ی] و [و] در متون واژگانی معینی نوشته می‌شوند:

- [j] این آوا در نوشتار با نویسه ی، در جایی که بعد از یک واکه (برای نمونه، وایمه [vajma] و پیلگه [jejlga] (بیلاق)) و یا پیش از آن بیاید (نمونه، یارج [jɑzɑɟ] (آرد) و یورین [jurɪ] (خرس)) درج می‌گردد.

- [w]، این آوا را نویسه و، در جایی که واکه‌های [a]، [e] و [o] پیش از آن بیایند (نمونه، اویخون [awi zun] (آویزان)، اوف [owf] (بخشش) و بتوداو [weshawdaw] (شوریدن) درج می‌کند.

سخن پایانی

همان گونه که در آغاز گفته شد هدف از تنظیم و ترتیب این الفبا بر پایه‌ی الفبای زبان فارسی نزدیکی و همخوانی زبان شغنی با زبان فارسی است و این واقعیت که در کشور ما افغانستان سوادآموزان و باسوادان چه در زبان فارسی دری و چه در زبان پشتو با الفبای مزبور آشنا نیستند. از این رو آموزش الفبای موجود زبان شغنی بسیار آسان‌تر خواهد بود تا از الفبای لاتین یا سریلیک برای این زبان استفاده شود. همچنین در تنظیم و برگزیدن نویسه‌های این الفبا به اصول زبان‌شناسی توجه لازمی صورت پذیرفته و کوشیدیم تا شمار نویسه‌ها را به کمترین میزان ممکن برسانیم و در عین حال لازم دانستیم که وام‌واژه‌های زبان‌های دیگر (به ویژه زبان‌های عربی و پشتو) به شکل خودشان نوشته شوند تا در درک و ریشه‌شناسی آنها برای زبان آموزان مشکلی پیش نیاید.

آرزومندیم با پیشکش نمودن این طرح ذره از وجائب فرهنگی را در برابر زبان‌های کهن آریائی این گنجینه‌های ارزشمند فرهنگ نیاکان و مردمان آزاده آن سرزمین و زبان مادری ادا نموده باشیم.

^۱ قابل یادآوری است که نویسه‌های مشترک پشتو و شغنی در هر دو زبان یکسان تلفظ می‌شوند.
^۲ در کتاب «الفبای زبان شغنی»، آکادمی علوم افغانستان (منتشر شده ۱۳۸۳ ش)، در بخش سوم (واول کوتاه (i=ی)، ص. ۱۰ و در جدول ص. ۲۹ «بیای مجهول»)، این نویسه مرکب را صورت نوشتاری واکه‌ای که تلفظ کوتاه شده واکه [i] است، قلمداد کرده است. تا آنجائی که می‌دانیم در واژه‌های شغنایی هیچ جفت واژگانی نداریم که با تقابل «بیای مجهول» با واکه [e] از هم متفاوت و به اساس آن ما بتوانیم اینها را بو جفت *آوایی جداکننده* و در نتیجه دو واکه مستقل به حساب آوریم. به نظر ما آن چه در این کتاب «بیای مجهول» دانسته شده است، تلفظی کشاله‌دار از واکه کوتاه [e] است و نه واکه‌ای مستقل.
^۳ در برخی ضمائر چون *مو* (مرا)، *تو* (تو)، *خو* (خودش)، نویسه و نیز واکه [o] را درج می‌کند.
^۴ نویسه *ژ* در همه متون واژگانی تنها و تنها همخوان [v] را درج می‌کند و نویسه (و) تنها زمانی این همخوان را درج می‌کند که پیش از واکه‌ای بیاید. نکته قابل ذکر این است که در دو واژه هم آوا (homophones) نقطه‌های نویسه *ژ* می‌تواند جداکننده دو واژه باشد، مانند *وید* (درخت بید) و *وید* (باشد).
^۵ می‌دانیم که *ث* عربی در زبان‌های فارسی و پشتو و شغنی به مانند نویسه *س* تلفظ می‌شود.

⁶ Post-alveolar